

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛ شبکه های توجه گرافی (GAN)

مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛  
شبکه های توجه گرافی  
(Graph Attention Networks)

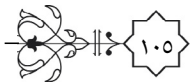


آموزش استفاده از وب آو ساینس

کارگاه آنلاین آموزش استفاده از  
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی



## واکاوی تحلیلی معنای کاربردی چهارباغ در کتاب‌ها و نوشته‌های سده هشتم تا یازدهم هجری



محمد مسعود\*

دانشیار، دانشکده معماری، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان

احمد امین پور\*\*

استادیار، دانشکده معماری، دانشگاه هنر اصفهان

حمید آقاشریفیان اصفهانی\*\*\*

دانشجوی دکتری مرمت معماری، دانشکده مرمت، دانشگاه هنر اصفهان

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۹/۱۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۲/۱۸

### چکیده:

چهارباغ، یکی از نامدارترین خیابان‌های اصفهان و شاید ایران باشد. خیابانی سرسبز و خرم که هم در کناره‌ها و هم در میانه آن، ردیف‌های درختان و پیاده‌روها و جوی‌ها گسترده شده است. درباره‌ی چهارباغ همچون یک خیابان ویژه و هم چنین یک باغ ایرانی ویژه نوشته‌ها و پژوهش‌هایی چند، نوشته و گفته شده است. این دیدگاه‌های گوناگون درباره چهارباغ هم چنین پرسش‌هایی را بر می‌انگیزد. یک گستره معنایی واژه چهارباغ چه اندازه است؟ (دو پیشینه این واژه و روند تاریخی کاربرد آن چگونه بوده است؟ در این مقاله تلاش شده است که در جستاری در واژه‌نامه‌ها، نوشته‌ها و کتاب‌های تاریخی که بستر کار هستند. با رویکردی کیفی، به معنای درونی و بیرونی و به پیشینه‌ی آن در کتاب‌ها و نوشته‌های تاریخی سده‌های اول تا یازدهم هجری پرداخته و با به نمودار در آوردن داده‌ها، به تحلیل و بررسی آنها پرداخته و به پرسش‌های یادشده پاسخ گوید.

در قلمرو معنا، چهارباغ همه ویژگی‌های باغ را در خود داشته و گستره معنا و درونمایه آن را افزایش داده و پیوند آن را با انسان و معنای زندگی او، با نظم کیهانی، نظم زمینی، نظم آیینی و دینی، نظم دانشوری استوارتر و ریشه‌دارتر می‌کند. آن چنان که بیشترین معناها و جوهر زیست انسان را در بر می‌گیرد.

چهارباغ هرگز یک باغ ساده، یک سرای حاکم‌نشین ساده و تنها یک خیابان ساده نبوده است و آن چنان که در معنای درونی آن یاد شد؛ آمدن چهار یا چار در آن گستره معنایی و کاربردی گسترده‌ای را برای آن پدید آورده بود همچون ساختاری نظم‌دار، ویژه، بزرگ، باشکوه، در شهر و برای مردم شهر، همگانی و با معناهای آرمانی و آسمانی. جای بسی شگفتی است که با ساختن یا بکاربردن یک واژه این همه معنا در آن گذارده و نهفته گردد و شاید آن بازنمایی همان راز جادویی و عرفانی «وحدت و کثرت» یا «یگانگی و چندگانگی» باشد.

واژه های کلیدی: معنای چهارباغ، خیابان، معماری اصفهان، معماری صفویه، باغ ایرانی.



## ۱. پیشگفتار

چهارباغ، یکی از نامدارترین خیابان‌های اصفهان و شاید ایران باشد. خیابانی سرسبز و خرم که هم در کناره‌ها و هم در میانه آن، ردیف‌های درختان و پیاده‌روها و جوی‌ها گسترده شده است. خیابانی که امروزه هم بسان دیروز راستای میانی شمالی-جنوبی شهر اصفهان را نشان می‌دهد. این خیابان همراه با بخش‌های دیگری همچون میدان نقش جهان (امام‌امروزین) و کاخ‌ها و باغ‌های بسیار، شالوده معماری شهری بخش نوساز و صفوی شهر را در کنار بخش کهن و سلجوقی شهر شکل می‌داد (نک: اهری ۱۳۸۵، ۱۰). اما خیابان چهارباغ اصفهان نه نخستین چهارباغ ایران است و نه آخرین آنها؛ زیرا می‌دانیم که شاهان صفوی پیش از ساختن چهارباغ اصفهان، چهارباغی در قزوین ساخته بودند. پس از آن نیز چهارباغ همچو بخش شهری ارزشمندی در شهرهای گوناگون نظیر سنج، مشهد، شیراز، نجف‌آباد، تبریز و تهران تکرار شد و چهارباغ پس از صفویه، همراه میدان شهری، به معیاری برای ساخت شهرهای ارزشمند دگر شد (بهشتی ۱۳۸۷، ۱۴).

درباره چهارباغ همچون خیابانی ویژه و الگوی هندسی آن نوشته‌ها و سخنان بسیاری نوشته و گفته شده است. در زمینه الگوی هندسی، دیدگاهی چهارباغ را همه باغ ایرانی می‌داند و دیدگاهی در برابر آن، چهارباغ را یکی از الگوهای هندسی باغ ایرانی دانسته است (حیدرنتاج ۱۳۸۸، ۲۹). در همین باره دیدگاهی پیشینه الگوی چهارباغ را در نقش سفالینه سامره و باغشهر پاسارگاد کوروش می‌جوید (استروناخ ۱۳۶۶، ۵۴-۷۲) و دیدگاهی دیگر پیشینه آن را در روزگار سلجوقیان دانسته است (اصانلو: حیدرنتاج ۱۳۸۸، ۱۹). در دنباله، دیدگاهی چهارباغ را در چهارگانگی دانسته (منصوری ۱۳۸۸، ۱؛ محمدی ۱۳۸۸، ۶۴) و دیدگاهی دیگر چهارباغ را نشانه چهارگانگی ندانسته و آن را نمادین و یادمانی می‌داند (حیدرنتاج ۱۳۸۸، ۲۹).

در زمینه معماری و معماری شهری (شهرسازی)، دیدگاهی خیابان باغی و ویژه چهارباغ همراه با میدان نقش جهان را دو بخش پایه در شیوه معماری اصفهان از شیوه‌های معماری ایرانی می‌داند (پیرنیا ۱۳۶۹، ۲۷۵) و دیدگاهی

دیگر این دو را بخش‌های پایه برای مکتب شهرسازی اصفهان برشمرده است (اهری ۱۳۸۵، ۱۰) و در کنار آن دیدگاهی دیگر مکتب‌سازی برای شهرسازی اصفهان را خطرناک و نادرست می‌داند (برینیولی ۱۳۸۵، ۶۰). در دنباله دیدگاهی دیگر بر این باور است که شاید خیابان چهارباغ از شیوه شهرسازی تیموریان در سمرقند و هرات برگرفته شده است (ویلبر ۱۳۸۳، ۶۰).

این دیدگاه‌های گوناگون درباره چهارباغ، نمایانگر آن است که گویا واژه چهارباغ همچون یک نام-الگو برای الگویی کاربردی در هنر و معماری، بسیار بکار رفته است. پس برای شناخت و روشنگری درباره این الگوی دیرین و کاربرد دوباره و امروزی آن بررسی واژگانی و معنایی آن در کنار بررسی کالبدی آن بایسته و ضروری می‌نماید.

این دیدگاه‌های گوناگون درباره چهارباغ هم چنین پرسش‌هایی را برمی‌انگیزد. یک گستره معنایی واژه چهارباغ چه اندازه خواهد بود؟ (دو پیشینه این واژه و روند تاریخی کاربرد آن چگونه بوده است؟

در این مقاله تلاش شده است که در جستاری در واژه‌نامه‌ها، نوشته‌ها و کتاب‌های تاریخی که بستر کار هستند؛ با رویکردی کیفی، با گردآوری داده‌های توصیفی در دو بخش معنای واژه و پیشینه کاربرد واژه، با به نمودار در آوردن آنها، به تحلیل و بررسی آنها پرداخته و به پرسش‌های یادشده پاسخ گوید.

## ۲. معنای درونی و بیرونی واژه چهارباغ

در آغاز شایسته است یادآور شود که در این مقاله واژه چهارباغ و معناهای وابسته به آن در دو زمینه یا دامنه بررسی می‌گردد. اول، معنای درونی آن که به خاستگاه، ریشه و بخش‌های واژگانی سازنده آن می‌پردازد؛ دوم، معنای بیرونی آن که از کل واژه درک گردیده و برای کارها یا هدف‌های ویژه‌ای رایج شده و بکار می‌رود.

### ۱-۲. معنای درونی واژه چهارباغ

واژه «چهارباغ» یا «چارباغ» از دو واژه چهار یا چار و باغ پدید آمده است. واژه‌ی باغ به معنای بوستان (و نزدیک به آن، گلستان، گلزار، گلشن، گلدشت) و زمینی است دور گرفته و دیوار کشیده که در آن‌ها گل‌ها و درختان و





در پیرو آن شماره چهار، نماد زمین، نماد جهان آفریده، نماد همبستگی، هماهنگی، پایداری و استواری و کمال است (هوهنه گر ۱۳۶۶، ۴۵-۴۸).

واژه چار به معنای کوره‌ای که در آن آجر پزند؛ چاره، گزیر، علاج، سزاوار و لایق، پادشاه و تزار و تیسار آمده است (فرهنگ دهخدا زیر واژه چار).

پس در کنار هم آمدن چهار و باغ که چهارباغ را می‌سازد؛ به معنای باغ هماهنگ، باغ زمینی، باغ پایدار، باغ کامل خواهد بود.

جدول ۱. معنای درونی چهارباغ

چهار	باغ	چهار + باغ = چهارباغ
چهارتایی	باغ	باغ چهارگانه
چندگانگی		باغ‌های چندگانه
نماد زمین		باغ زمینی
نماد جهان آفریده		باغ جهان
نماد همبستگی		باغ هماهنگ
نماد هماهنگی		باغ پایدار
نماد استواری		باغ کامل
نماد کمال		

جدول ۲. معنای درونی چارباغ

چار	باغ	چار + باغ = چارباغ
شایسته	باغ	بهترین باغ
سزاوار		شاه باغ
شاه		باغ ویژه
		باغ بزرگ
		شاه‌باغ‌ها
		باغ کامل

در دنباله واژه چار آنچنان که آمد به معنای چاره، شایسته و شاه آمده که پیرو آن واژه چارباغ به معنای باغ شایسته، بهترین باغ، بزرگ باغ و شاه باغ خواهد بود.

## ۲-۲. معنای بیرونی واژه چهارباغ

در این بخش به دو به واژه چهارباغ پرداخته می‌شود؛ الف) معنای واژه‌نامه‌ای آن، ب) معنای نمادین و آرمانی باغ و در پیرو آن چهارباغ.

سبزیجات و از این دست کاشته باشد (فرهنگ معین، زیر واژه چهارباغ).

باغ در فارسی دری و میانه، به معنای تکه یا پاره زمین، بخش، سهم، میراث، بهر و برخ آمده است و همگی از ریشه‌ی باستانی بگ باگ بخش کردن آمده است (دانشنامه جهان اسلام جلد ۱).

ریشه‌ی واژه ی باغ از واژه پارسی باستانی «باک» (بخش کردن و بخش از زمین) یا واژه‌ی پارسی باستانی «بگا» (خدا، ایزد) یا از واژه‌ی کات‌های اوستایی «باگا» (بخش، بهر، برخ، بخت، بختار) یا از واژه‌ی سغدی «سریغ» یا واژه پهلوی «سرباغ» ریشه گرفته است (منصوری ۱۳۸۸، ۲۱).

در روزگار باستان بجای واژه‌ی باغ، واژه‌های کهن‌تر دیگری بکار می‌رفت؛ همچون واژه پردیس و رز. واژه پردیس یا پردوس که از پیشوند پیر (پیرامون، گرداگرد) و دیس (ساختمان و بنا ساخته شده) و درست معنای پروند و پروست و باغ و درختکاری و گلکاری پیرامون بنا می‌دهد. این واژه در پهلوی و پارسی دری پالیز آمده آن چنان که فردوسی آنرا در چند جای شاهنامه به همین معنا بکار بوده است (پیرنیا ۱۳۷۸، ۳۱). پردیس واژه‌ای است از زبان مادی -پارادئزا- بمعنی باغ و بستان، و از همین واژه است پالیز فارسی. کزنفون گوید: «در هر جا، که شاه (هخامنشی) اقامت کند و به هر جا که رود؛ همیشه مراقب است در همه جا باغ‌هائی باشد پر از چیزهای زیبا؛ که زمین می‌دهد. این باغ‌ها را پردیس می‌نامند (فرهنگ دهخدا زیر واژه پردیس).

اما واژه‌ی «رز» در فارسی نو و میانه به معنی تاکستان (شاید از ریشه‌ی اوستایی رویدن)، در گویش‌های طبری و خوانساری و گویش‌های شمال غربی ایران هم‌تراز واژه‌ی باغ و به همین معنی به کار می‌رود و بهترین گواه آن ترکیب خرّمه رز به معنای باغ خرّم و رزان به معنی باغ‌ها و درختستان‌ها، در تاریخ طبرستان است (دانشنامه جهان اسلام جلد ۱).

واژه‌ی «چهار» همان شماره میان سه و پنج است (فرهنگ دهخدا زیر واژه چهار). اما واژه چهار در کنار شماره بودن، نشانگر شکل چهار (مربع) هم هست و این شکل هندسی و



## ۲-۲-۱. معنای واژه‌نامه‌ای

چهارباغ یا چارباغ در واژه به معناهای گوناگون آورده شده؛ اول) به معنای نوا و ترانه‌ای در آهنگ ایرانی (چهارپاره)، دوم) کارواژه‌ای همانند چهار خیابان، سوم) باغ‌های چهارگانه در کنار هم که با خیابان‌ها از هم جدا شده یا در پیرامون ساختمانی باشند؛ چهارم) دو رشته خیابان همراستا در کنار هم که در دو سو دارای درختکاری بوده و در میان بوسیله یک راه پیاده یا گردشگاه از هم جدا باشند و پنجم) نام خیابان گسترده و بزرگی در اصفهان می‌باشد و معنای دیگری که در جدول آمده است (فرهنگ دهخدا زیر واژه چهارباغ).

جدول ۳. معنای بیرونی چهارباغ

واژه	معنا
چهارباغ (فرهنگ دهخدا)	<ul style="list-style-type: none"> <li>- نوا و ترانه‌ای در آهنگ ایرانی (چهارپاره)</li> <li>- کارواژه‌ای همانند چهار خیابان</li> <li>- باغ‌های چهارگانه در کنار هم که با خیابان‌ها از هم جدا شده یا در پیرامون ساختمانی باشند</li> <li>- دو رشته خیابان همراستا در کنار هم که در دو سو دارای درختکاری بوده و در میان بوسیله یک راه پیاده یا گردشگاه از هم جدا باشند</li> <li>- نام خیابان گسترده و بزرگی در اصفهان می‌باشد.</li> <li>- شهر چهارباغ از شهرستان ساوجبلاغ استان البرز</li> <li>- دهی در شهرستان خوانسار</li> <li>- دهی در شهرستان نیشابور</li> </ul>

جدول ۴. معنای بیرونی چارباغ

واژه	معنا
چارباغ (فرهنگ دهخدا)	<ul style="list-style-type: none"> <li>- باغ‌های چهارگانه در کنار هم که با خیابان‌ها از هم جدا شوند یا در پیرامون عمارتی باشند.</li> <li>- دو رشته خیابان همراستا در کنار هم که در دو سو دارای درختکاری بوده و در میان بوسیله یک راه پیاده یا گردشگاه از هم جدا باشند.</li> <li>- کشتزاری در دروازه دولت کاشان</li> <li>- کشتزاری در درب جوقای کاشان است.</li> <li>- دهی در اردستان</li> <li>- دهکده‌ای است در سر ولایت نیشابور.</li> <li>- باغی در دهلی</li> <li>- دهی در درب قاضی شهر نیشابور</li> <li>- دهی در لواسان</li> <li>- دهی درهرات</li> </ul>

## ۲-۲-۲. معنای نمادین و آرمانی

چهارباغ که بر باور بسیاری همان باغ ایرانی بوده و برپایه دیدگاهی دیگر گونه ای از باغ ایرانی است (حیدرتاج ۱۳۸۸، ۱۰)؛ همواره باغ بودن را همراه با همه ویژگی و بار معنایی آن را در خویش نگاه داشته است و همواره همچو باغ‌سازی یک پدیده هنری، شادی‌آفرین، آسایش‌بخش و سودآور بود که از زمان‌های پیش از تاریخ، همواره بخش جدانشدنی زندگی انسان بوده و این پدیده در دیگر رشته‌های هنر نیز همچو ادبیات، نگارگری، موسیقی و کاشیکاری، گچبری و قالیبافی، نقش و بازتاب ژرفی داشته است (آریان پور ۱۳۶۵، ۱۹).

باغ ایرانی دارای الگوی جداگانه‌ای از باغ‌های سرزمین‌های دیگر است واز دیرباز نامدار و پرآوازه بوده و بسیاری برآنند که باغ ایرانی معنای دینی داشته و به باورهای زردشتی و اسلامی درباره‌ی بهشت استوار است (عالمی ۱۳۸۷، ۱۰۶).

باغ ایرانی دارای ویژگی‌هایی است که بخشی از آن، اول، شاعرانگی آن در فرهنگ ایرانی است؛ دوم، پدیدآوری بیکرانگی در فضای کرانمند می‌باشد؛ و سوم، هماهنگی در باغ ایرانی است. بگونه‌ای که هنگامی که در حیاط میانی خانه ایرانی آسمان را می‌نگریم. چهارگوش می‌بینیم که برآستی بخش ویژه از آسمان است بدینگونه در حیاطی به ظاهر محدود. دارای آسمانی شخصی می‌شویم با همه ویژگی‌های آسمان بیکران. کف حیاط آبنمایی دارد که همچون آینه انگاره آسمان را بازتاب می‌دهد؛ یعنی آن بیکران را. اما خود آبنما نیز در مقام آینه، بیکرانگی است؛ زیرا آینه در سرشت خود بیکرانه است حتی اگر بسیار کوچک باشد. آینه‌ای کوچک می‌تواند نمای کوهی چون دماوند را در خود جا دهد و جهانی در آن می‌گنجد. پس در خانه ایرانی به هر جا بنگریم جهانی می‌بینیم. در آسمان حیاط، در آینه آبنما، در قالی اتاق، باغ نیز چنین است و جهانی را در خود جای داده است. بیکران و بی‌پایان بودن یعنی همه جهان را در خود بازتاب دادن و نه برخوردار بودن از گستردگی زیاد، زیرا کویری گسترده نیز کرانمند است؛ اما آینه‌ای کوچک و بیکران. در باغ ایرانی دریافت انسان از جهان، دریافتی بی‌پایان و بی‌کرانه است. به سخن دیگر دریافت انسان دچار بستگی و کاستی نیست زیرا انسان به هیچ روی متوجه دیوار باغ نیست (بهشتی ۱۳۸۷، ۱۳).



باورهای مقدس» (منصوری ۱۳۸۸)، «زبان رمزی» (تقوی ۱۳۹۰)، «سایه پردیس جاوید» (دارایی ۱۳۸۳)، «نماد باغ آسمانی و ملکوت» و «پیوند دوگانه ملک و ملکوت» و «طبیعت متعال» (سابتلنی ۱۳۸۷)، «گلستان مینوی» (حصوری ۱۳۷۶)، «باغ هستی» (تقی زاده ۱۳۸۵)، «غزل باغ ایرانی» (بهشتی ۱۳۸۷)، «طبیعت مثالی باغ بهشت» (مجتهدی ۱۳۹۰)، «کهن الگوی گمشده» (جواهریان ۱۳۸۷)، «باغ نمونه زمینی بهشت» (پیرنیا ۱۳۸۷) یادشده است. در قلمرو معنا، چهارباغ همه ویژگی های باغ را در خود داشته و گستره ی معنا و درونمایه ی آن را افزایش داده و پیوند آن را با انسان و معنای زندگی او، با نظم کیهانی، نظم زمینی، نظم آیینی و دینی، نظم دانشوری استوارتر و ریشه دارتر می کند؛ آنچنان که بیشترین معناها و جوهر زیست انسان را دربرمی گیرد.

جدول ۵. معنای نمادین و آرمایی

معنای نمادین	واژه
باز آفرین خیالین از بهشت باغ نمونه زمینی بهشت باغ هستی بهشت کوچک اما زمینی پیوند دوگانه ملک و ملکوت جهان باغ ایرانی جهان خیال زردشتی جهان کهن (عالم صغیر) زبان رمزی زمین ملکوتی و باغ زمینی سایه پردیس جاوید طبیعت متعال طبیعت مثالی باغ بهشت غزل باغ ایرانی کهن الگوی گمشده گلستان مینوی گلشن راز الگویی از بهشت منزل گوهرهای چهارگانه ناکجاآباد یا اقلیم هشتم نماد آرمایی جهان نماد باغ آسمانی و ملکوت	باغ و به پیرو آن چهارباغ

یکی از نامهای باغ و شاید کهن ترین آن «پارادتره» یا «پائیزیداتره» است که گویا آن بازآفرینی زمین همسان با جهان خیال زردشتی است. به گفته هانری کربن (فیلسوف، شرق شناس، ایران شناس و اسلام شناس فرانسوی) در پدیدآوری باغ معنایی نیایشی نهفته است که گونه ای بازآفرین خیالین از بهشت و گروه آفریدگان ملکوتی است. همه بخش های چشم انداز خیالی زردشتی در باغ بهشت پدیدار می شود. ترازهای گوناگون کف نماد «کوه کیهانی» است که در بالاترین تراز تخت ایوان کوشک شاهی نماد باشندگی تابناک ایزدان است. آبنما در پیشگاه ساختمان نماد «اقیانوس کیهانی» است که سرچشمه ی همه ی آبهاست (عالمی ۱۳۷۸، ۱۰۶).

باغ ایرانی در نزد محمد شبستری (عارف و سراینده سده هشتم هجری و نگارنده مثنوی گلشن راز) همچون گلشن راز یعنی بوستان و باغی پر از رمز و راز دیده شده و در نزد هانری کربن باغ همتراز با سرزمین خیال و جهان مثال و باغ بهشت دانسته شده است. باغ در نزد اهل حکمت، جهان کهن (عالم صغیر) و نماد باغ آسمانی و ملکوت آورده شده و همچنین ناکجاآباد یا اقلیم هشتم دانسته شده است (سابتلنی ۱۳۸۷، ۳۶).

یکی از اولین باغ ها و به ویژه اولین چهارباغ های شناخته شده، در باغشهر پاسارگاد کوروش یافت شده است. با بررسی این چهارباغ، چندین معنای نهفته ای که در پیدایش آن اثرگذار بوده اند را؛ می توان در سه نظام فشرده کرد. اول، نظمی که نشان از جهان هستی دارد؛ دوم، نظمی که نمایانگر نیروی شاه است؛ سوم، نظمی که نشان دهنده بهشت است. (محمدی ۱۳۸۸، ۶۷).

از نگاهی دیگر، اسطوره ها و داستان های رمزی که در طرح باغ ایرانی و چهارباغ بازتاب یافته است هم چشمگیر هستند. اول، اسطوره جهان چهارگوشه (نظم بخش)؛ دوم، اسطوره درخت زندگی (همگرایی و مرکزگرایی)؛ سوم، اسطوره درخت همه تخمه (زایش و گسترش)؛ چهارم، اسطوره باغ بهشت (آرمان ها و آرزوها). (محمدی ۱۳۸۸، ۶۷ و ۶۸).

همچنین از باغ ایرانی با نام های «جهان باغ ایرانی» (بهشتی ۱۳۸۷)، «بهشت کوچک اما زمینی» (شایسته ۳۸۳)، «الگویی از بهشت» (گودرزی سروش ۱۳۹۲) و «نماد آرمایی جهان» (ژان بریتولی)، «منزل گوهرهای چهارگانه» و «باغ، ترجمان





شاید بهترین راه برای جستار درباره پیشینه واژه چهارباغ و معنای کاربردی آن، برگشت به سرچشمه‌ها و نوشته‌های تاریخی باشد. این سرچشمه‌ها و منبع‌ها هم بازگوکننده‌ی زمان خود و هم زمان پیش از خود بوده‌اند. این جستار در کتاب‌ها و نوشته‌های تاریخی از سده‌های اول به پس و با تکیه به جا و جایگاه و معنای کاربردی واژه چهارباغ دسته‌بندی شده است؛ اما برپایه داده‌های در دسترس، در سده هشتم هجری و در کتاب جامع التواریخ (تاریخ آل سلجوق) نگارش رشید الدین فضل الله همدانی برای اولین بار واژه چهارباغ در معنای باغ حاکم نشین نیشابور بکاربرده شده است و باید یادآور شد که سده هشتم هجری، روزگار برتری ایلخانان و سده نهم، روزگار تیموریان و سده دهم، روزگار آغاز و گسترش صفویان و سده یازدهم گسترش بیشتر صفویان و آغاز پایتختی اصفهان (۱۰۰۰ تا ۱۰۰۶ هجری) بوده است. پس به همین انگیزه این بررسی میان سده‌های هشتم تا یازدهم هجری پرداخته شده است. (جدول‌های ۶ تا ۹).

### ۳. معنای کاربردی آن در گذر زمان (پیشینه چهارباغ در متن‌ها و کتاب‌های کهن)

در یکی از پژوهش‌ها در باره چهارباغ، آمده است که واژه «باغ» و «چهارباغ» در دوره سلجوقیان وارد کاربرد زبان فارسی شد. همانند مساجد چهارایوانی، مدارس چهارایوانی و کاروانسرای چهارایوانی، چهارباغ نیز از نوآوری‌های این سده است (اصانلو: حیدرنتاج ۱۳۸۸، ۱۹).

در پژوهش دیگری آورده شده که ساخت خیابان‌ها و گردشگاه‌ها در شهرهایی مانند بلخ و هرات و بخارا و مشهد و اندجان و قندوز در سده نهم هجری در اندیشه امیرزادگان تیموری جای گرفت و در همین روزگار بود که از نام چهارباغ در بعضی شهرهای ایران یاد شده است مانند چهارباغ ابراهیم سلطان میرزا در بلخ، چهارباغ امیر مزید ارغوان در بیرون شهر بلخ، چهارباغ حافظبیک در اندجان، چهارباغ خسرو شاه در بیرون شهر در قندوز، چهارباغ رادکان در خراسان، چهارباغ مشهد، چهارباغ میمنه و چهارباغ میرزا شاهرخ نزدیک به دروازه بخارا (هنرفر ۱۳۴۹، ۲).

جدول ۶. فهرست نام چهارباغ در کتاب‌ها تا سده هشتم هجری

سده / هجری	نام کتاب	جلد	برگه	نام چهارباغ	کاربرد
سده هشتم	جامع التواریخ. تاریخ آل سلجوق (رشید الدین فضل الله همدانی)		۱۴۰	چهارباغ در نیشابور	حاکم نشین

جدول ۷. فهرست نام چهارباغ در کتاب‌های سده نهم هجری

سده / هجری	نام کتاب	جلد	برگه	نام چهارباغ	کاربرد
سده نهم	روضات الجنات فی اوصاف هرات (معین الدین محمد زمچی اسفزاری)	ج ۱	۱۰۷	چهارباغ شبرغان یا شاپورگان (در جوزجان بلخ)	حاکم نشین
		ج ۲	۱۸۶	چهارباغ مشهد	حاکم نشین
		ج ۲	۱۸۸	چهارباغ مشهد	حاکم نشین
		ج ۲	۳۱۶	چهارباغ در گازرگاه هرات	باغ و کاخ





باغ حاکم	چهارباغ مشهد	۲۶۱	۳ ج	مطلع سعدین و مجمع بحرین (کمال الدین عبد الرزاق سمرقندی)	سده نهم
حاکم نشین	چهارباغ مشهد	۴۷۸	۳ ج		
حاکم نشین	چهارباغ همدان	۵۸۱	۴ ج		
حاکم نشین	چهارباغ رادکان	۶۵۵	۴ ج		
حاکم نشین	چهارباغ مشهد	۶۵۷	۴ ج		
باغ ؟	چهارباغ ترکان در هرات	۶۰		مقصد الاقبال سلطانیة و مرصد الامال (سید اصیل الدین عبد الله واعظ)	سده نهم
باغ ؟	چهارباغ کابل	۶۲		منتخب التواریخ (عبد القادر بن ملوک شاه بداونی)	سده نهم
نام جا ؟	چهارباغ در نیستان؟	۳۵۴	۱ ج	ظفرنامه (شرف الدین علی یزدی)	سده نهم

جدول ۸. فهرست نام چهارباغ در کتاب های سده دهم هجری

کاربرد	نام چهارباغ	برگه	جلد	نام کتاب	سده / هجری
باغ حاکم	چهارباغ ؟	۲۶۲	۱ ج	بدایع الوقایع (زین الدین محمود واصفی)	سده دهم
حاکم نشین	چهارباغ میرک در هرات	۴۰۸	۱ ج		
حاکم نشین	چهارباغ میرک در هرات	۴۰۸	۱ ج		
حاکم نشین	چهارباغ میرک در هرات	۴۰۹	۱ ج		
حاکم نشین	چهارباغ جهان آرا در هرات	۴۲۱	۱ ج		







حاکم نشین	چهارباغ گازرگاه در هرات	۴۹۳	ج ۱		
حاکم نشین	چهارباغ میر در هرات	۲۳۶	ج ۲		
باغ کاخ؟	چهارباغ در هرات	۲۵۳	ج ۲		
حاکم نشین	چهارباغ و چارباغ در نیشابور	۲۷۰ - ۲۷۱	ج ۲		
حاکم نشین	چهارباغ میرزا بایسنغر در هرات	۳۱۲	ج ۲		
حاکم نشین	چهارباغ شاهرخیه در هرات	۳۳۱	ج ۲		
باغ کاخ؟	چهارباغ هرات	۳۳۴	ج ۲		
حاکم نشین	چهارباغ امیر علیشیر در هرات	۳۴۵	ج ۲		
حاکم نشین	چهارباغ شاهرخیه در هرات	۳۷۰	ج ۲		
حاکم نشین	چهارباغ کیکاوس در تاشکند	۱۷۹	ج ۲		
نام جا ؟	چهارباغ جایی در کاشغر	۴۹۰۷	ج ۷	تاریخ الفی (قاضی احمد تتوی و آصف خان قزوینی)	سده دهم
حاکم نشین	چهارباغ میرزا شاهرخ در هرات	۵۳۹	ج ۲	تاریخ حبیب السیر (خواند میر)	سده دهم
مرغزار	چهارباغ رادکان	۲۸	ج ۴		
حاکم نشین	چهارباغ مشهد	۵۶	ج ۴		
حاکم نشین	چهارباغ مشهد	۵۷	ج ۴		
حاکم نشین	چهارباغ میمنه	۱۴۶	ج ۴		
حاکم نشین	چهارباغ امیر مزیدارغون (بلخ)	۱۹۰	ج ۴		
حاکم نشین	چهارباغ خسرو شاه (قندز)	۱۹۳	ج ۴		
حاکم نشین	چهارباغ مشهد	۲۱۷	ج ۴		
حاکم نشین	چهارباغ حافظ بیگ (اندجان فرغانه)	۲۶۵	ج ۴		
حاکم نشین	چهارباغ ابراهیم سلطان (بلخ)	۲۹۴-۲۹۵-۲۹۶	ج ۴		
حاکم نشین	چهارباغ پیر بداغ (بغداد)	۴۹۴	ج ۴		





سده دهم	مأثر الملوک (خواند میر)	۲۹۶	چهارباغ؟	حاکم نشین و باغ
سده دهم	مرآت الممالک (سید علی کاتبی)	۱۲۴	چهارباغ کابل	حاکم نشین
		۱۲۶	چهارباغ تالقان	حاکم نشین
		۱۳۶	چهارباغ نزدیک بخارا	نام جا؟
سده دهم	مسخر البلاد (محمد یار بن عرب قطغان)	۷۱-۷۰	چهارباغ ابراهیم میرزا (بلخ)	حاکم نشین
		۱۱۱-۱۰۷	چهارباغ نزدیک مرو	نام جا؟

جدول ۹. فهرست نام چهارباغ در کتاب های سده یازدهم هجری

سده / هجری	نام کتاب	جلد	برگه	نام چهارباغ	کاربرد
سده یازدهم	اکبرنامه تاریخ گورکانیان هند (ابو الفضل مبارک)	-	۴۴	چهارباغ	رقعات حکیم ابو الفتح
		-	۱۳۹	چهارباغ اندجان فرغانه	باغ؟
		-	۱۶۶	چهارباغ آگره	دار الخلافه
		-	۱۸۴	چهارباغی سرسبز بر لب آب همچون دار الخلافه آگره	باغ؟
		-	۳۱۴	چهارباغ؟	سرای پادشاه
		-	۳۱۵	چهارباغ شهر؟	باغ شاهی
		-	۳۱۵	حمام چهارباغ؟	حمام و باغ شاهی
		-	۳۴۳	چهارباغ در کابل	حاکم نشین
		-	۳۵۱	چهارباغ در ارغنداب قندهار	فردوس
		-	۴۵۳	چهارباغ جلال آباد نزدیک کابل	حاکم نشین
سده یازدهم	ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم (محمد یوسف واله قزوینی اصفهانی)	-	۲۴۵	چهارباغ اصفهان	خیابان
		-	۲۴۶	چهارباغ اصفهان	خیابان





سده یازدهم	جهانگیر نامه (نور الدین محمد توزک جهانگیری)	-	۶۲	چهارباغ کابل	بزرگترین باغات شهر
		-	۲۹۲	چهارباغ ساخته بابر در آگره	باغ؟
سده یازدهم	خلاصه التواریخ (احمد بن شرف الدین الحسین الحسینی القمی)	ج ۲	۷۵۱	چهارباغ مشهد	حاکم نشین
		ج ۲	۷۵۹	چهارباغ مشهد	حاکم نشین
		ج ۲	۹۳۴	چهارباغ میرزا پیر بوداق بغداد	حاکم نشین
		-	۱۰۶۸	چهارباغ در مشهد	حاکم نشین
		-	۱۰۷۳	چهارباغ در مشهد	حاکم نشین
سده یازدهم	عالم آرای عباسی (اسکندر بیگ ترکمان)	ج ۱	۲۹۵	چهارباغ مشهد	حاکم نشین
		ج ۱	۵۴۵-۵۴۴	چهارباغ اصفهان	خیابان
		ج ۱	۵۶۸	چهارباغ مشهد	حاکم نشین
		ج ۲	۸۳۵	چهارباغ در مشهد	حاکم نشین
		ج ۲	۷۸۸-۸۳۸-۱۱۱۱	چهارباغ اصفهان	خیابان
سده یازدهم	سفرنامه پیتر دلاواله		۳۴	چهارباغ اصفهان	نام باغ و خیابان خیابان
			۴۱	چهارباغ اصفهان	خیابان زیبا
			۳۵۷	چهارباغ اصفهان	پل
سده یازدهم	سفرنامه اولتاریوس		۲۱۶	باغ چارباغ اصفهان (هزار جریب)	باغ بزرگ
			۲۱۷	چهارباغ اصفهان	باغ یا خیابان؟
			۲۴۴	باغ چارباغ اصفهان (هزار جریب)	باغ بزرگ
سده یازدهم	سفرنامه تاورنیه		۶۵-۷۴	خیابان چهارباغ اصفهان	خیابان بزرگ
			۶۸-۷۲	چهارباغ اصفهان	خیابان
سده یازدهم	سفرنامه کمپفر		۱۸۹	چهارباغ اصفهان	خیابان سلطنتی و باشکوه





خیابان باشکوه	چهارباغ اصفهان	۱۹۵-۲۱۲- ۲۰۱			
خیابان	چهارباغ اصفهان	۱۹۲-۱۹۶- ۲۱۷-۲۲۰- ۲۳۲			
باغ	چهارباغ اصفهان	۲۱۵			
گردشگاه درختی همگانی	چهارباغ اصفهان	۱۱۸		سفرنامه شاردن	سده یازدهم
خیابان	چهارباغ اصفهان	۱۲۲-۱۴۰- ۱۵۷-۱۷۶			

پ) بسیاری از شهرهای ایران به ویژه شهرهای خراسان بزرگ دارای چهارباغ بوده اند و این رویداد از زمان سلجوقیان آغاز و در روزگار تیموریان گسترش یافته است. (ت) واژه چهارباغ در گذر زمان در معنای گوناگونی بکار رفته است. همچون باغ حاکم نشین، باغ شاهی، سرای شاهی، کاخ، دارالخلافه، باغ بزرگ شهر، باغ بزرگ، خیابان، خیابان باشکوه و بزرگ، خیابان زیبا. با فشرده کردن و جمع بندی نمودارهای پیشینه تاریخی چهارباغ می توان به فهرست شهرها و جاهایی که چهارباغ داشته اند و همچنین فهرست معنای کاربردی چهارباغ دست یافت.

### ۳-۱) اولین برداشتها از نمودار معنای کاربردی آن در گذر زمان (پیشینه تاریخی چهارباغ)

آن چنان که نمودارهای پیشینه تاریخی چهارباغ نشان می دهند؛ الف) از واژه چهارباغ در کتابها، تا پیش از سلجوقیان چیزی در دست نیست و آن چنان که پیشتر آمد؛ اولین بار این واژه در سده هشتم هجری (ایلخانان) و در کتاب جامع التواریخ (تاریخ آل سلجوق) نگارش رشید الدین فضل الله همدانی پدیدار شده است.

ب) از سده هشتم به پس، کاربرد واژه چهارباغ، رو به فزونی می گذارد آن چنان که در سده نهم (دوازده بار)، در سده دهم (سی و هفت بار)، در سده یازدهم (پنجاه و سه بار) در نوشتهها آورده شده است.

جدول ۱۰. فهرست شهرها و جاهایی که چهارباغ داشته اند (از سده ۸ تا سده ۱۱ هجری)

	روزگار صفوی (سده های یازدهم)	روزگار صفوی (سده های دهم)	روزگار پیش صفوی (تیموری) (سده های نهم)	روزگار پیش صفوی (تیموری) (سده های هشتم)	
جاهایی که چهارباغ داشته اند	چندبار یاد شده است	چندبار یاد شده است	چندبار یاد شده است	چندبار یاد شده است	
اصفهان	۳۰	۳۰	-	-	
مشهد	۱۵	۷	۳	۵	
هرات	۱۵	-	۱۳	۲	
بلخ	۷	-	۶	۱	





کابل	-	۱	۱	۳	۵
آگره	-	-	-	۴	۳
بغداد	-	-	۱	۱	۲
رادکان	-	۱	۱	-	۲
نیشابور	۱	-	۱	-	۲
اندجان فرغانه	-	-	۱	۱	۲
همدان	-	۱	-	-	۱
تالقان	-	-	۱	-	۱
مرو	-	-	۱	-	۱
میمنه	-	-	۱	-	۱
کاشغر	-	-	۱	-	۱
ارغنداب قندهار	-	-	-	۱	۱
قندز	-	-	۱	-	۱
نیستان	-	۱	۰	-	۱
تاشکند	-	-	۱	-	۱

	روزگار پیش صفوی (تیموری) (سده های هشتم)	روزگار پیش صفوی (تیموری) (سده های نهم)	روزگار صفوی (سده های دهم)	روزگار صفوی (سده های یازدهم)	
حاکم نشین	۱	۸	۲۷	۱۰	۴۶
خیابان	-	-	-	۲۰	۲۰
باغ	-	۲	۲	۵	۹
خیابان شاهی با شکوه	-	-	-	۴	۴
نام جا	-	۱	۳	-	۴
نام کاخ	-	۱	۲	-	۳
خیابان بزرگ	-	-	-	۱	۱
باغ بزرگ	-	-	-	۲	۲
سرای شاهی	-	-	-	۲	۲





۱	۱	-	-	-	گردشگاه درختی همگانی
۱	۱	-	-	-	خیابان زیبا
۱	۱	-	-	-	بزرگترین باغ شهر
۱	۱	-	-	-	فردوس
۱	۱	-	-	-	باغ شاهی
۱	۱	-	-	-	دارالخلافة
۱	۱	-	-	-	پل
۱	۱	-	-	-	حمام
۱	-	۱	-	-	مرغزار

جدول ۱۱. فهرست معنای کاربردی چهارباغ (از سده ۸ تا سده ۱۱ هجری)

روزگار پیش صفوی (تیموری) (سده های هشتم)	روزگار پیش صفوی (تیموری) (سده های نهم)	روزگار صفوی (سده های دهم)	روزگار صفوی (سده های یازدهم)		
چندبار یاد شده است	چندبار یاد شده است	چندبار یاد شده است	چندبار یاد شده است	نفش یا کاربری چهارباغ	
۱	۸	۲۷	۱۰	حاکم نشین	۴۶
-	-	-	۲۰	خیابان	۲۰
-	۲	۲	۵	باغ	۹
-	-	-	۴	خیابان شاهی با شکوه	۴
-	۱	۳	-	نام جا	۴
-	۱	۲	-	نام کاخ	۳
-	-	-	۱	خیابان بزرگ	۱
-	-	-	۲	باغ بزرگ	۲
-	-	-	۲	سرای شاهی	۲
-	-	-	۱	گردشگاه درختی همگانی	۱
-	-	-	۱	خیابان زیبا	۱
-	-	-	۱	بزرگترین باغ شهر	۱
-	-	-	۱	فردوس	۱
-	-	-	۱	باغ شاهی	۱





دارالخلافة	-	-	-	۱	۱
پل	-	-	-	۱	۱
حمام	-	-	-	۱	۱
مرغزار	-	-	۱	-	۱
رقعات (نوشته‌ها)	-	-	-	۱	۱

بودن به سوی بزرگ و باشکوه و شهری بودن و تا زیبا و گردشگاه درختی همگانی بودن و فردوس بودن پیش رفته است؛ یا به سخن دیگر از گستره خودگانی (خصوصی) به سوی گستره همگانی و مردمی و همچنین از گستره معنای زمینی به سوی معنای آرمانی و آسمانی گرایش یافته است.

#### ۴. نتیجه‌گیری

بررسی معنای درونی و بیرونی واژه چهارباغ نمایانگر پیچیدگی و گستردگی معناها و درون‌مایه‌های نهفته در آن است آن چنان که بررسی پیشینه آن در میان کتاب‌ها و نوشته‌های سده هشتم تا یازدهم، آن را گواهی و همراهی می‌کند.

سرچشمه‌های تاریخی نشان‌دهنده‌ی پیدایش واژه چهارباغ در روزگار سلجوقیان است و هم نشان‌دهنده‌ی ویژگی‌های معنایی و کاربردی آن می‌باشد.

بیشترین معنای کاربردی چهارباغ در پیش از صفویان باغ حاکم‌نشین بوده و به گونه‌ای نمایانگر ارگ باغی حکومتی بوده است. در روزگار صفویان و به ویژه در روزگار پایتختی اصفهان معنای تازه‌ای بر آن افزوده شد و آن خیابان باغی ویژه بود که به ویژه در اصفهان راستای نوبنیاد شهر را پدیدار و سامان می‌داد و از این پس این معنا برای چهارباغ ماندگار شد.

چهارباغ تا پیش از صفویان در بسیاری از شهرهای ایران به ویژه خراسان بزرگ برپا شده بود و آن چنان که پیش‌تر آمد؛ نشانه و نماد رسمی شدن شهر هم بوده و این کاربرد در روزگار صفویان نیز تا اندازه‌ای دنبال شد.

چهارباغ در گذر زمان معناهای کاربردی زیادی را دارا شد و در زمان پایتختی اصفهان نه‌تنها معناهای آن گسترش یافت؛ بلکه همه آنها در یک جا، با هم بکار گرفته شد و آن

#### ۳-۲. دومین برداشت‌ها از نمودار معنای کاربردی آن در گذر زمان (پیشینه تاریخی چهارباغ)

در پس این داده‌ها و نمودارها دانسته‌های ژرف‌تری نهفته است که بخشی از آن در اینجا آورده می‌شود:

(اول) چهار باغ در معنای کاربردی باغ حاکم‌نشین، نشانه رسمی شدن شهر و افزایش ارزش شهری بوده است.

(دوم) چهار باغ گویای باغ است ولی نه باغی ساده بلکه باغی ویژه؛ با کاربردی ویژه یا الگویی ویژه.

(سوم) چهار باغ نه‌تنها همچو سرای حاکم و فرماندار بوده بلکه جایگاه دیدارهای رسمی و کشوری. پذیرایی از بزرگان و کشورداران نیز بوده و از این دیدگاه می‌توان آن را هم‌تراز ارگ حکومتی دانسته و آن را ارگ حکومتی سبز نامید.

(چهارم) چهار باغ به گونه‌ای گویای باغ همگانی و باغی در شهر و هم باغی برای شهر بوده است.

(پنجم) از سده هشتم تا پایان دهم، بیشترین معنای کاربردی چهار باغ همانا باغ حاکم‌نشین بوده ولی در سده یازدهم معنای تازه‌ای به آن داده می‌شود و آن خیابان است و این دگرگونی و گسترش هم‌زمان با پایتخت شدن اصفهان در روزگار صفویان است.

(ششم) چهار باغ در سده یازدهم نه یک خیابان ساده که خیابانی ویژه با معناهای بسیار بوده است همچون خیابان زیبا، خیابان بزرگ، خیابان شاهی و باشکوه.

(هفتم) همچنین در سده یازدهم برای چهار باغ بجز معنای خیابان ویژه، دست کم ده معنای کاربردی دیگر نیز آورده شده همچون دولتخانه، دارالخلافة، نام کاخ و عمارت، سرای پادشاه، باغ شاهی، باغ بزرگ شهر. نام مسجد، نام پل، نام جا و جایگاه و این گویای گسترش و شکوفایی و ارزش ویژه این واژه و پدیده همراه آن بوده است.

(هشتم) در گذر زمان معنای این پدیده از برای شاه و حاکم





تنها یک خیابان ساده نبوده است و آن چنان که در معنای درونی آن یاد شد؛ آمدن چهار یا چار در آن گستره معنایی و کاربردی گسترده‌ای را برای آن پدید آورده بود همچون ساختاری نظم‌دار، ویژه، بزرگ و باشکوه در شهر و برای مردم شهر، همگانی و با معناهای آرمانی و آسمانی. جای بسی شگفتی است که با ساختن یا بکاربردن یک واژه این همه معنا در آن گذارده و نهفته گردد و آن را یکی از نمادها و هویت‌های شهر اصفهان گرداند. شاید این پدیده بازنمایی همان راز جادویی و عرفانی «وحدت و کثرت» یا «یگانگی و چندگانگی» در هنر ما باشد.

مجموعه بزرگ چهارباغ اصفهان یعنی از دولتخانه شاهی در کنار میدان نقش جهان (امام) تا باغ شاهی هزارجریب پدیدار شد.

از سویی دیگر چهارباغ در گذر زمان از ساختاری خودگانی (خصوصی) به ساختاری همگانی و شهری دگرگون و گسترش یافت و از نگاهی دیگر از ساختاری خاکی و زمینی به ساختاری آرمانی و آسمانی یا آنجهانی دگرگون گردید و همه اینها در مجموعه چهارباغ اصفهان صفوی به روشنی پدیدار شده است.

چهارباغ هرگز یک باغ ساده، یک سرای حاکم‌نشین ساده و

## منابع

۱. آریان‌پور، علیرضا. ۱۳۶۵. پژوهشی در شناخت باغ‌های ایران. تهران: نشر تاریخ و فرهنگ ایران زمین.
۲. استروناخ، دیوید. ۱۳۴۸. شکل‌گیری باغ سلطنتی پاسارگاد و تأثیر آن در باغ‌سازی ایران. ترجمه‌ی کامیار عبدی. اثر (۲۲ و ۲۳): ۵۴ - ۷۵.
۳. اصلانو، حسن. ۱۳۸۱. باغ ایرانی و چهارباغ. مجله ساخت و ساز (۱۸).
۴. اهری، زهرا. ۱۳۸۵. مکتب اصفهان در شهرسازی: دستور زبان طراحی شالوده شهری. تهران: فرهنگستان هنر و وزارت فرهنگ و ارشاد.
۵. برنیولی، ژان. ۱۳۸۵. بینش شاه عباس: شهرسازی سلطنتی اصفهان. ترجمه داود طبایی. نشریه گلستان هنر (۵): ۶۰-۷۱.
۶. بهشتی، محمد. ۱۳۸۷. جهان باغ ایرانی. نشریه گلستان هنر (۱۲): ۷-۱۵.
۷. پوپ، آرتور ایهام. ۱۳۶۵. معماری ایران: پیروزی شکل و رنگ. ترجمه‌ی کرامت الله افسر. تهران: فرهنگ سرا.
۸. پیرنیا، محمد کریم. ۱۳۶۹. شیوه‌های معماری ایرانی. بکوشش غلامحسین معماریان. تهران: نشر هنر اسلامی.
۹. \_\_\_\_\_ . ۱۳۷۲. معماری اسلامی ایرانی. بکوشش غلامحسین معماریان. تهران: دانشگاه علم و صنعت.
۱۰. \_\_\_\_\_ . ۱۳۷۸. باغ ایرانی. نشریه گلستان هنر (۱۲): ۳۰-۳۳.
۱۱. تقوائی، حسن. ۱۳۹۰. باغ ایرانی: زبانی رمزآلود. مجله منظر (۱۶): ۶-۱۱.
۱۲. جواهریان، فریار. ۱۳۸۳. باغ ایرانی: حکمت کهن، منظر جدید. تهران: موزه هنرهای معاصر.
۱۳. حصوری، علی. ۱۳۷۶. باغ مینوی فردوس و طرح قالی ایرانی. مجله کلک (۸۹): ۲۴۷-۲۵۹.
۱۴. حقیقت‌بین، مهدی. ۱۳۸۸. بررسی تاریخی خیابان (چهارباغ) شهرمشهد در عصر صفویه. مجله پژوهش‌های تاریخی (۴): ۳۷-۵۴.
۱۵. حیدرتاج، وحید و امیر منصور. ۱۳۸۸. نقدی بر فرضیه الگوی چهارباغ در شکل‌گیری باغ ایرانی. باغ نظر (۱۲): ۱۷-۳۰.
۱۶. خوانساری، مهدی، محمدرضا مقتدر، و مینوش یآوری. ۱۳۸۳. باغ ایرانی بازتابی از بهشت. ترجمه مشاوران آران. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۱۷. دارابی، هلیا. ۱۳۸۳. باغ ایرانی: سایه پردیس جاوید بر زمین. تندیس (۳۳): ۸-۹.
۱۸. دهخدا، علی‌اکبر. لغتنامه‌ی دهخدا. تهران: مؤسسه‌ی دهخدا.
۱۹. سابتلی، ماریا آوا. ۱۳۸۷. باغ ایرانی: واقعیت یا خیال. ترجمه‌ی داود طبایی. نشریه گلستان هنر (۱۲): ۱۶-۲۹.
۲۰. \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۷. گلشن راز: باغ ایرانی و بیان شاعرانه عرفان. ترجمه داود طبایی. نشریه گلستان هنر (۱۲): ۳۴-۴۶.
۲۱. سعیدیان، عبدالحسین. ۱۳۶۹. سرزمین و مردم ایران. مردم‌شناسی و آداب و رسوم اقوام ایرانی. تهران: مؤسسه انتشارات علم و زندگی.
۲۲. شایسته، محمود رضا، و منصور قاسمی. ۱۳۸۳. اصفهان بهشتی کوچک اما زمینی. اصفهان: نقش خورشید.
۲۳. عالمی، مهوش. ۱۳۸۳. باغ‌های شاهی عهد صفوی و روابط آنها با شهر. مجله معماری و شهرسازی (۴۲ و ۴۳).
۲۴. \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۵. باغ‌های دوره صفوی: گونه‌ها و الگوها. ترجمه‌ی محسن جاوری. نشریه گلستان هنر (۵): ۷۲-۹۱.
۲۵. \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۷. باغ‌ها و حیاط‌های ایرانی. ترجمه میثم یزدی. تهران: نشریه گلستان هنر (۱۱): ۱۰۶-۱۱۲.
۲۶. گذار، آندره. ۱۳۸۷. آثار ایران. ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم. مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۷. گودرزی سروش، محمدمهدی. ۱۳۹۲. نمادگرایی باغ ایرانی در دوره اسلامی. هویت شهر (۱۳): ۵۵-۶۳.







۲۸. مجتهدی، بهاره. ۱۳۹۰. باغ ایرانی: جایگاه آب در طبیعت مثالی باغ بهشت. مجله منظر (۷۵).
۲۹. محتاط، محمدرضا. ۱۳۶۸. *سیمای اراک (جامعه شناسی شهری)*. تهران: نشر آگه.
۳۰. محمدی، شیرکو. ۱۳۸۸. شکل گیری فرم چلیپایی باغ بر اساس مفاهیم نمادین. تهران: مجله دانش مرمت و میراث فرهنگی ۵ (۳): ۶۴-۷۰.
۳۱. منصوری، سیمای. ۱۳۸۸. باغ های چهارگانه: ترجمان باورهای مقدس. ص ۱۷-۳۰.
۳۲. مهربانی گلزار، محمدرضا. ۱۳۹۱. کشف ساختار فضایی و منظرین مجموعه پاسارگاد. مجله منظر (۲۰): ۱۱-۶.
۳۳. هنر فر، لطف الله. ۱۳۴۹. چهارباغ اصفهان. هنر و مردم (۹۶ و ۹۷): ۲-۱۴.
۳۴. \_\_\_\_\_ . ۱۳۵۰. *گنجینه آثار اصفهان*. اصفهان: کتابفروشی ثقیفی.
۳۵. هوهنه گر، آلفرد. ۱۳۶۶. *نمادها و نشانه ها*. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر اسلامی.
۳۶. والش، هایدی. ۱۳۸۷. در میانه فردوس و دارالسلطنه: نشانه شناسی اصفهان صفوی. ترجمه ی اردشیر اشراقی. نشریه گلستان هنر (۱۴): ۵۴-۴۰.
۳۷. ویلبر، دونالد. ۱۳۸۳. *باغ های ایران و کوشک های آن*. ترجمه ی مهیندخت صبا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

## References

- Ahari, Zahra. 2006. *Isfahan School in Urban Planning, Municipal Foundation Design Prammar*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Alemi, Mahvash. 2004. The Safavid Royal Gardens and their Relationships with the City of Isfahan. Tehran: *Memary o ShahrSazi* (42&43).
- \_\_\_\_\_. 2006. The Safavid Gardens: The Types and Patterns. Translated by Mohsen Javery. Tehran: *Golestan-e-Honar* (5): 72-91.
- \_\_\_\_\_. 2008. Persian Gardens and their Courtyards. Translated by Meysam Yazdi. *Golestan-e-Honar* 11 : (106-112).
- Arianpoor, Alireza. 1986. *A research about Recognition of Persian Gardens*. Tehran: Farhan-g Iranzamin.
- Asanloo, Hassan. 2002. The Persian Garden and Chahar-Bagh. *Sakht-o-Saz* (18).
- Beheshti, Mohammad. 2008. The World of Persian Garden. *Golestan-e Honar* (12): 7-15.
- Brignooli, Jean. 2006. The Vision of Shah Abbas: The Royal City of Isfahan. Translated by Davood Tabaei. *Golestan-e Honar magazine* (5): 60-71.
- Darabi, Helia. 2004. The Persian Garden: the Shadow of Eternal Paradise on Earth. *Tandis* (33): 8-9.
- Dehkoda, Ali Akbar. *Dehkoda Dictionary*. Tehran: Dehkoda Foundation.
- Godard, Andre .2008. *Athār-é Īrān: Annales du Service Archéologique de l'Īrān*. Translated by Abulhasan Sarvghad Moghaddam. Mashhad: Astan Qods Razavi.
- Goodarzi Soroush, Mohammad Mahdi. 2013. The Symbolism of Persian Garden during Islamic Period. *Hoviat-e-Shahr* 7 (13).
- Haghighatbin, Mahdi. 2010. Mashhad Khiyaban (Street, Charbagh) During Safavid Dynasty. *Historical Researches* 45(4): 55-63.
- Hohenegger, Alfred. 1966. *Symbols and Signs*. Tehran: Publications of Ministry of Culture and Islamic Art.
- \_\_\_\_\_. 1977. *Form and sign: about Letters and Symbols*. Romana: Libri Alfabeto.
- Honarfar, Lotfollah .1970. Chahar-Bagh of Isfahan. *Art and Human* (96 & 97): 2-14.
- \_\_\_\_\_. 1971. *The Treasure of Isfahan*. Isfahan: Saghafy.
- Hosoory, Ali. 1997. The Divine Garden and the Persian Carpet Design. *Kelk* (89): 247-259.
- Heydarnattaj, Vahid, and Amir Mansoori. 2010. A Critical Study on the ChaharBagh Theory in Creation of the Persian Gardens. *Bagh-e-Nazar* 6(12): 17-30.
- Javaherian, Faryar. 2004. *The Persian Garden: Ancient Wisdom, a New Perspective*. Tehran: Tehran Museum of Contemporary Art
- Khansari, Mahdi, Mohammadreza Moghtader, and Minoosh Yavari. 2004. *Persian Garden: the Reflection of Heaven*. Translated by Aran Consultants. Tehran: Iran Cultural Heritage, Handcrafts and Tourism Organization
- Mansouri, Sima. 2009. The Quartet Dardens: the translation of the Sacred Beliefs. *Sofeh* (48): 17-30.
- Mehrabani Golzar, Mohammad Reza. 2012. The Discovery on the Structure of Space and View of Pasargadae.





*Manzar* (20): 6-11.

24. Mohammadi, Shirko. 2009. The Formation of the Garden Cross Form based on Symbolic Meanings. *Science of Renovation and Cultural Heritage* 5(3): 65-70.

25. Mohtat, Mohammad Reza. 1989. *The city of Arak: Urban Sociology*. Tehran: Agah.

26. Mojtahedi, Bahareh. 2011. *The Persian Garden and the value of Water in the Example Garden*. Tehran: Manzar Magazine (75).

27. Pirnia, Mohammad Karim. 1990. *The Styles of Persian Architecture*. Gholam Hossein Memarian. Tehran: Honar-e Eslami.

28. \_\_\_\_\_. 1993. *The Islamic Architecture of Iran*. Gholam Hossein Memarian. Tehran: Iran University of Science and Technology.

29. \_\_\_\_\_. 1994. Persian Garden. *Golestan-e Honar* (12): 30-33.

30. Pope, Arthur Upham. 1986. *Persian Architecture: the Triumph of Form and Color*. Translated by Keramtollah Afsar. Tehran: Farhangsara.

31. Saeedian, Abd al-Hussain. 1990. *Land and People of Iran: Anthropology and Customs*. Tehran: Elm-va-Zendeghi.

32. Shayeste, Mahmoud Reza and Mansour Ghasemi. 2004. *Isfahan: The Small Paradise on the Earth*. Isfahan: Naghsh e Khorshid.

33. Stronach, David. 1969. The Formation of the Royal Garden Pasargadae and its Impact on the Garden of Iran. Translated by Kamyar Abdi. *Asar* (22 & 23): 54-75.

34. Subtelny, Maria Eva. 2008. Persian Garden: Reality or Imagination. Translated by Davood Tabaei. *Golestan-e-Honar* (12): 16-29.

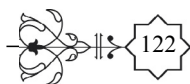
35. \_\_\_\_\_. 2008. Golshan-e-Raz: Persian Garden and Poetic Mystical Expression. Translated by Davood Tabaei. Tehran: *Golestan-e-Honar* (12): 24-46.

36. Taghvaei, Hassan. 2011. Persian Garden: A Mysterious Language. *Manzar* (16): 6-11.

37. Walcher, Heidi. 2008. Between Paradise and Political Capital: The Semiotics of Safavid Isfahan. Translated by Ardashir Eshraghi. *Golestan-e-Honar* (14): 40-54.

38. Wilber, Donald. 2004. *Persian Gardens and their Pavilions*. Translated by Mahindokht Saba. Tehran. Elmi-va-Farhangi.





Journal of Research in Islamic Architecture / No.6 / Spring 2015

## Exploring Analysis of the Practical meaning of Chahar-bagh, on the basis of eighth to the eleventh century AH. Reference Literature

---

**Mohammad Masoud \***

Associate Professor. Art University of Esfahan

---

**Ahmad Aminpoor\*\***

Assistant Professor. Art University of Esfahan

---

**Hamid Agha-Sharifian Isfahani\*\*\***

PhD student of Architecture, Art University of Esfahan

---

 Received: 10/12/ 2014

Accepted: 07/04/2015

---

### Abstract

Chahar-Bagh is one of the most famous streets of Isfahan and perhaps, Iran. Chahar-Bagh, as a green street, had a certain geometric pattern which included the rows of trees, roads, sidewalks and central stream. Chahar-Bagh Street was actually a lineal urban space which stretched from the north to the south, towards Naghsh Jahan square (Emam Square) as the central urban space of Esfahan and together managed to form and organize the structure of the new Safavid part of Isfahan beside the old Seljuk part of Isfahan. Chahar-Bagh Street of Isfahan could not be considered as the first special green urban street, nor the last one. Because it is known that during the early Safavid period, a type of Chahar-Bagh Street was built in the city of Qazvin and during late Safavid period, several Chahar-Bagh Streets were organized in some cities such as Mashhad, Shiraz, Tabriz and Tehran. Chahar-Bagh Street along with the Naghsh-Jahan urban square was also repeated after Safavid time, as a new, valuable and static model for the urban design, in the design of other important cities. Chahar-Bagh was not only a particular street, but also a geometric pattern garden design, or in other words, it is well-known as a comprehensive model or pattern of Persian garden design. This pattern divides the garden site or ground in four parts and shapes a cross road between these parts, placing a pavilion in the middle of the cross road. There are very different and opposite viewpoints about the geometric pattern of Chahar-Bagh, such as: i) Chahar-Bagh pattern is the comprehensive design of Persian Garden. ii) Chahar-Bagh pattern is just one of the kinds of Persian Garden design. iii) Chahar-Bagh pattern is just the same as the quartier shape of design. iv) Chahar-Bagh pattern is not due to four partial forms and it only contains the symbolic and memorial aspects of design.

This paper will try to penetrate the literal origins of Chahar-Bagh word and discover the practical meaning of Chahar-Bagh during the studied centuries, therefore, this paper is specialized only on the lexical and semantic aspects of Chahar-Bagh and it begins with the following questions:

- 1) How deep is the meaning of Chahar-Bagh in our culture?
- 2) What are the background and the function of Chahar-Bagh during our historical resources?

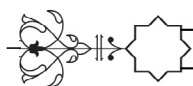


\*m.masoud@au.ac.ir

\*\*aminpoor@au.ac.ir

\*\*\*avidsharifian@yahoo.com





This paper studies Chahar-Bagh by gathering the descriptive data in two fields of the meaning and function, on the basis of historical evidences. Then, organizes them in diagrams and presents research analysis based on the mentioned findings.

The meaning of Chahar-Bagh includes outer and inner aspects and also creates a meaningful complexity. The inner meanings include words such as: Chahar (four), Char (four), Bagh (garden), Pardis (paradise). The outer meanings include three sections: Chahar-Bagh and the dictionary meanings, Chahar-Bagh and the symbolic and idealistic meanings, and finally, Chahar-Bagh and the practical meanings.

The origin of Chahar-Bagh as a street form might refer to the city of Samarkand during the Timurid period. This city was built between Firoozi gate and Del-Gosha royal garden. The origin of Chahar-Bagh as a garden form, on the other hand, is addressed to the city of Pasargadae during the early Achaemenid time. Pasargadae included several complexes such as the fortress, the tomb of Cyrus the great, palaces and gardens and the fire temple. The historical sources indicate that the origin of Chahar-Bagh word is related to Seljuk time and used in "Jame-ol-Tavarich" by "Khaje Rashid aldin Fazlollah Hamadani". There were some places as Chahar-Bagh before the Safavid period and the most practical meaning of Chahar-Bagh was "the ruler garden" and also as a "citadel garden" and "the official center". There was also a new meaning extended for Chahar-Bagh during the Safavid time, at the time when Isfahan was chosen as the capital city of Iran. This meaning indicated Chahar-Bagh as a special, green, urban street. According to historical evidences, the structure of Chahar-Bagh had an autogamy (private) aspect at first, but over time the public aspect was grown and the urban aspect expanded. The resources show that the structure also had an earthly and terrestrial aspect and was changed into the heavenly and idealistic aspect during the time. Chahar-Bagh was never a simple garden or an ordinary ruler place or just a simple street, and the mentioned meaning of Chahar-Bagh during the Safavid period is a strong evidence of this statement. Although Chahar-Bagh contains the literal meaning of "four gardens", yet, Chahar-Bagh term meant a special, great, public, spiritual, celestial and heavenly place or garden. It is very surprising that just one word could indicate all meanings and functions in Persian architecture and all of the mentioned meanings could be compacted in one word. Perhaps it represents the magical and mystical Persian architectural secret, which is known as «unity» through «diversity».

**Keywords:** Immovable Inscriptive Documents, Script & Calligraphy, Deciphering the Contents of Inscriptions, Tabriz Historic Bazaar.



# SID



سرویس های  
ویژه



سرویس ترجمه  
تخصصی



کارگاه های  
آموزشی



بلاگ  
مرکز اطلاعات علمی



عضویت در  
خبرنامه



فیلم های  
آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛  
شبکه های توجه گرافی  
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از  
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی